

کانال تلگرامی کانون مدافعان حقوق کارگر راه اندازی شد. از طریق لینک زیر می توانید به آن بپیوندید.

<https://t.me/kanoonmodafean>

<http://www.kanoonm.com/2813>

مهاجران افغانستان در ایران

به مناسبت ۱۵ مرداد روز همبستگی با کارگران افغانستانی مهاجر

من مهاجرم

من زخم، مَرَدَم، کودکم / فقیر، غیرقانونی، بدون مدرک، بدون حق و حقوق!! بدون کار/ مخفی / طفیلی؟ / سودجو، شیاد ... ؟

نه! نه! فقط مخفی

نه متعلق به جایی‌ام که از آن گریخته‌ام / که تحت تجاوز و بمباران است،

نه به کشوری که آرزوی رسیدن به آن را دارم / و نه به جایی که از آن می‌گذرم...

فقط مخفی! مخفی!

هیچ جایی به من خوش آمد نمی‌گویند، / در همه جا غریبه هستم

حتی میان نوع بشر!

پروانه- ق

کانون مدافعان حقوق کارگر - توی آسانسور بود با فرغونی با باقیمانده کچ روی آن. هفده هجده ساله می نمود. غمی در چشمانش موج می زد. پرسید مریض دارید. گفتم بله. آرزوی شفای بیمارم را کرد. می‌گفت اهل مزار شریف است و مدت زیادی نیست که به ایران آمده است و از طریق یک شرکت پیمانکاری کار پیدا کرده است با روزی ۶۰ هزار تومان.

امکان ندارد از خانه خارج شوی و با یکی از این مهاجران برخورد نکنی. آنها را همه جا می بینی، مشغول به کارهای مختلف. در مزارع صیفی جات در حال چیدن خیار و گوجه و وجین کردن، در پارک‌ها مشغول رسیدگی به گل و گیاه، در نیمه های شب در حال جاروکشی کوچه ها، در عمق زمین در حال کندن چاه، در گاوداری ها و مرغداری ها، سر ساختمان های فرسوده در حال تخریب، در حال ساختن ساختمان های جدید، به عنوان سرایدار و در تولیدی ها در حال دوخت و دوز یا در خانه ها مشغول کارهایی مانند خیاطی و منجوق دوزی و زنان مهاجر نیز همراه با همسران و پدران خود مشغول به کارند. کودکان افغانستانی نیز از سنین بسیار کم وارد بازار کار می شوند.

از سال‌های بسیار دور، از شروع جنگ در افغانستان در دهه ۵۰ شمسی، ورود این سیل مهاجران به ایران شروع شد و همچنان تداوم یافته است و دیگر مهاجران افغانستانی بخشی از این ملک و بوم شده اند. اما با این وجود از خیلی از حقوق اولیه یک مهاجر محرومند. چرا؟

برای مهاجرت نیروی کار افغانستان به ایران به عوامل مختلف می توان اشاره کرد: نزدیکی های زبان و فرهنگ ایران با افغانستان، دسترسی آسان به ایران، نداشتن توانایی اقتصادی برای رفتن به کشورهای دورتر و اروپا و... اما علت اصلی جنگ، ناامنی، بیکاری و فقر است. نرخ بیکاری بالا در افغانستان در سال گذشته ۲۶ درصد بوده است. چندی پیش وزیر امور مالیه افغانستان در مصاحبه ای با رادیو بی بی سی اعلام کرد: "در افغانستان حدود دو میلیون بیکار وجود دارد". درخبر دیگری اعلام شده که ده ها هزار نفر هم اکنون در افغانستان بدون خانه اند.^۱

اگر کارگران بتوانند در افغانستان شغلی پیدا کنند، حداقل درآمد یک کارگر ساده در افغانستان بنا بر اعلام اتحادیه ملی کارگران افغانستان، پنج هزار افغانی (معادل ۹۰ دلار) در ماه است. مطابق با قانون کار افغانستان ساعات کار روزانه هشت ساعت است اما کارگران تا ۱۲ ساعت هم کار می کنند. مطابق قانون کار افغانستان کارفرمایان موظف به پرداخت حق بیمه کارگران هستند اما در شرایط جنگی و بحرانی افغانستان این قانون اجرا نمی شود. به دلیل ناامنی و بیکاری گسترده ناشی از جنگ، بسیاری از نیروهای کار افغانستان، زندگی در مهاجرت را انتخاب می کنند. بسیاری از این کارگران همراه با خانواده شان از افغانستان خارج می شوند. کارگرانی هم هستند که بدون خانواده از کشور خارج می شوند، در ایران کار می کنند و برای آن‌ها پول می فرستند.

مطابق با آخرین سرشماری (نفوس و مسکن ۱۳۹۵) از مجموع افراد ساکن در ایران در زمان سرشماری، یک میلیون و ۵۸۳ هزار و ۹۷۹ نفر با تابعیت افغانستان در ایران حضور دارند که یک میلیون و ۲۴۲ هزار نفر و ۳۳۲ نفر با تابعیت افغانستان در نقاط شهری و ۳۴۰ هزار و ۹۶۸ نفر نیز در نقاط روستایی زندگی می کنند.

البته این آمار رسمی فاصله زیادی با آمار واقعی دارد. بخش بزرگی از مهاجران افغانستان در ایران به اصطلاح غیرقانونی هستند بدون هیچ گونه مدارک رسمی. پس طبیعی است که آنان در این آمار جایی نداشته باشند. البته آمار ثابتی هم وجود ندارد. مهاجرین همواره در حال "بازگشتند": "از ایران بازگردانده می شوند و کمی بعد به ایران باز می گردند". با توجه به این شرایط می توان گفت آمار کل مهاجران افغانستانی متغیر است. ولی شاید بتوان رقم بالای سه میلیون را برآورد کرد.^۲

سیاست اصلی دولت ایران بازگرداندن مهاجران قانونی و غیر قانونی، به کشورشان است. سیر بازگشت و "ردمزر کردن" (اخراج) مهاجران به اصطلاح غیرقانونی در برهه های زمانی شدت می گیرد و زمانی نیز کند شده و نامحسوس ادامه می یابد. در خبری که در سال ۲۰۰۷ منتشر شده دولت افغانستان اعلام کرد ۷۶۰ هزار مهاجر با خطر اخراج از ایران روبرو هستند. از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۴ به این سو کمیساریای امور پناهندگان سازمان ملل متحد اعلام کرده که بیش از ۹۰۰ هزار افغان را از ایران به کشورشان عودت داده شده اند.^۳

در اردیبهشت ۹۴ وزیر کشور، رحمانی فضلی اعلام کرد:

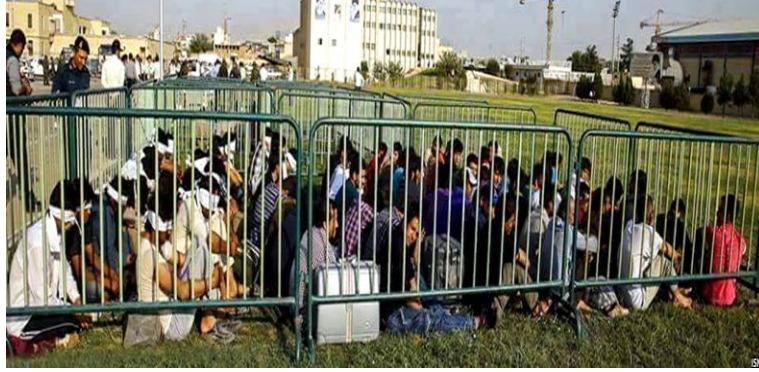
" در سال ۹۳ تا ۵۸ هزار و ۱۹۹ نفر از اتباع غیرمجاز جمع آوری و بازگردانده شدند و ۸۷۷ خودروی حامل اتباع غیرمجاز با ۸ هزار و ۵۱ نفر توقیف شد و این اتباع بازداشت و اقدامات قانونی درباره آنها انجام شد و واحدهای ویژه مبارزه با ورود اتباع در شهرهای حساس و مهم تشکیل دادیم که کار را با دقت پیگیری می کنند... در ۱۰ سال گذشته توانستیم حدود ۵ میلیون نفر از افرادی را که به صورت غیرمجاز در ایران حضور داشتند به افغانستان بازگردانیم که این رقم سالانه حدود ۵۰۰ هزار نفر است... سال قبل حدود ۶۰۰ هزار نفر از این افراد به مرزها ارجاع داده شدند اما متأسفانه به علل مختلف به ویژه نامناسب بودن شرایط زندگی در افغانستان و فقدان تسلط کافی دولت های افغانستان و پاکستان بر مرزهایشان نتوانستیم مانع از ورودشان به ایران شویم. وی آمار مهاجرین را دو ونیم میلیون نفر اعلام کرده بود.^۴

در خبرهای منتشر شده در آبان ۱۳۹۵ از قول وزارت امور مهاجرین افغانستان اعلام شد که بیش از ۳۴۹ هزار نفر نیز از کشور ایران به افغانستان برگشته اند. بارها مذاکراتی در باره وضعیت این پناهندگان میان هیات های افغانستان و دولت ایران انجام شده است.

نهادهای بین المللی مانند سازمان ملل متحد و سایر نهادهایی که امر بازگشت مهاجران را پیگیری می کنند طرح های متعددی برای بازگشت آنان به کشورشان داده اند. اما واقعیت زندگی در افغانستان و تصمیم مهاجران نشان داده است که این طرح ها اگر داوطلبانه نباشد و مشکلات اصلی مهاجران در کشورشان حل نشود عملاً بی فایده بوده و تنها به تشدید بحران های اجتماعی در افغانستان و در میان جوامع مهاجران در کشورهای میزبان دامن خواهد زد.

در مسیر بازگرداندن و اخراج این مهاجران گاه برخوردهای بسیار غیر انسانی نیز صورت گرفته و میگیرد. این اخراج ها با توهین و تحقیر بسیار انجام می شود و تبعات گاه جبران ناپذیری بر زندگی آنان دارد.

به عنوان مثال استاندار شیراز علناً از مردم خواسته بود به مهاجرین افغانها خانه ء خود را کرایه و اجاره ندهند و در برخی مناطق شیراز هم در سال ۲۰۰۴ تعدادی از منازل آنان با بولدوزر تخریب شد. یکی از بدترین نمونه های آن برخوردی بود که در شیراز با این مهاجران شده بود. مهاجران غیرقانونی دستگیر شده در قفس های آهنی در خیابان و در ملاعام نگهداری شدند که عکس العمل های تندی را از جانب بسیاری از ایرانیان و هم وطنانشان در پی داشت.^۵



در کنار مهمان نوازی شمار بسیاری از ایرانیان که آنان را پذیرفته و همراهی شان می کنند، اما متأسفانه آنان شاهد برخوردهای نامناسب نیز هستند. زندگی مهاجران افغانستانی در ایران با مشکلات و مصایب بسیاری همراه است. در زیر به اختصار به برخی از این مشکلات اشاره می کنیم.

"کارگران افغانستانی موجب بیکاری در ایران هستند"؟؟!!

یکی از باورهای غلطی که سعی می شود در جامعه ترویج شود این است که کارگران افغانستانی موجب بیکاری در ایران هستند؟ متعاقب چنین طرز تفکری، شاهد بودیم که در مراسم روز کارگر سال ۱۳۹۴ که توسط خانه کارگر برپا شد شعار علیه این کارگران مهاجر شعار اصلی تظاهرکنندگان بود. این برخورد فاشیستی از طرف فعالان کارگری مستقل و کارگران آگاه ایران محکوم شد.



واقعیات موجود بی پایه گی این مساله را روشن می کند. کارگران افغانستانی امکان کار در ۱۹ استان کشور را ندارند و این استانها بالاترین آمار بیکاری را دارند. کارگر افغانستانی بیشتر در استان هایی ساکنند که فرصت های کاری وجود داشته باشد.^۶

کارگران افغانستانی در مشاغل محدودی اجازه کار دارند. سوال اینجاست که آیا مساله بیکاری در ایران فقط در این رشته از مشاغل وجود دارد؟ بیشترین آمار بیکاری مربوط به نیروی کار تحصیل کرده و متخصص است در صورتی که این مهاجران معمولا نیروی کار ساده هستند.

محرومیت از حقوق قانونی کار و عدم امنیت

این کارگران در ناامنی کامل به کار مشغولند مشمول قانون کار و بیمه تامین اجتماعی نمی‌شوند و قانون حداقل دستمزد شورای عالی کار نیز در مورد آنان اعمال نمی‌شود. کارفرمایان این کارگران را به دلیل غیرقانونی بودن با دستمزد کم، بدون بیمه و نظارت قانون کار استخدام می‌کنند و به راحتی می‌توانند حتی از پرداخت همان دستمزد اندک نیز خودداری کنند و کارگران امکان پیگیری قانونی ندارند. آن‌ها از دریافت یارانه‌های نقدی دولت نیز محروم هستند. این ناامنی ابعاد گسترده تری نیز دارد. این که هر لحظه منتظر بازداشت، زندان اخراج، جریمه را داشته باشی، ناامنی روانی شدیدی برای فرد ایجاد می‌کند.

ممنوعیت سکونت در برخی استان‌ها و اشتغال در بسیاری از رشته‌های کاری

پراکندگی کارگران افغانستانی در ایران یکسان نیست. تقاضا برای نیروی کار و وجود کار عامل مهم این پراکندگی است. همان طور که در آمار رسمی هم آمده بیشتر این مهاجران در استان تهران ساکن هستند (۱۸ تا ۲۰ درصد) آمار کارگران افغانستانی در استان‌های اصفهان، خراسان و فارس نیز بسیار بالاست. در برخی از استان‌ها این حضور بسیار کم است و در برخی از استانها نیز حضور آنان ممنوع است.

حضور مهاجرین افغانستانی در تعدادی از استان‌های کشور (در خبرها آمده است ۱۹ استان) از چند سال پیش ممنوع شده است. دلیل و چگونگی چنین تصمیمی روشن نیست. برخی از این استانها عبارتند از: آذربایجان شرقی، اردبیل، زنجان، کردستان، کرمانشاه، ایلام، لرستان، چهارمحال بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، گیلان، مازندران. مهاجرین افغانستانی نه تنها حق کار کردن در این استان‌ها را ندارند، بلکه حتی حق عبور و مرور و اقامت هم ندارند. از فرزندانشان هم در مدارس این مناطق ثبت نام به عمل نمی‌آید. این یکی از اولین محرومیت‌هایی است که این کارگران افغانستانی در ایران با آن دست به گریبانند. در سایر نقاط هم مساله تحصیل کودکان افغانستانی مهاجر مشکل عمده ای برای خانواده‌های آنان است.^۷

کارگران افغانستانی نمی‌توانند به هر شغلی دست یابند. بر اساس فهرستی که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی منتشر کرده است، اتباع کشور افغانستان که دارای مدارک قانونی برای اقامت هستند، فقط در چهار گروه شغلی می‌توانند کار کنند. گروه‌های کوره‌پزخانه‌ها، کارهای ساختمانی، کارگاه‌های کشاورزی از جمله مشاغل تعیین شده برای کارگران افغانستان در ایران است. در برخی از استان‌های ایران نیز طرحی ایجاد شد که هر کارگر افغان ۷۰ هزار تومان برای دریافت اجازه‌ی کار باید بپردازد.

طبق قانون، اگر کارفرمایی از نیروی کار خارجی غیرمجاز استفاده کند، روزانه ۱۱۸ هزار و ۷۰۰ تومان جریمه می‌شود.^۷ به رغم جریمه ای که برای این کارفرمایان برای به کار گیری کارگران غیرمجاز گذاشته شده، اما سود ناشی از استثمار چندبرابر آنان چنان اشتهای این کارفرمایان را تحریک می‌کند که این جریمه‌ها را به جان می‌خرند. البته راه‌های دور زدن این قوانین را هم به خوب بلدند.



ازدواج با زنان ایرانی و کودکان بی هویت

حضور این مهاجران تبعات اجتماعی نیز دارد. ازدواج‌های غیرقانونی و کودکان بی‌هویت از جمله تبعات این حضور است. بسیاری از این ازدواج‌ها بدون رضایت زنان انجام می‌شود و در مواردی هم مشاهده شده که این دختران جوان در واقع فروخته می‌شوند. بسیاری از زنان فقیر به عنوان شهروندان درجه چندم نه تنها بدون نظر و رضایت خود به عقد و ازدواج این مردان درمی‌آیند، بلکه چون بدون اجازه دولت این عمل انجام می‌شود، از سایر حقوق نیز محروم خواهند بود مانند حمایت در موقع طلاق و... اگر زنی بدون اجازه دولت، شوهر خارجی اختیار کند، این ازدواج از سوی دولت ایران اعتباری ندارد. و ازدواج بدون اجازه دولت اگرچه از لحاظ شرعی باطل نیست، اما از نظر قانونی تخلف است، چرا که ازدواج بر خلاف مقررات صورت گرفته است. بنابراین دادگاه‌ها در صورت بروز مشکل، دیگر کاری با این ازدواج ندارند و اگر زن ایرانی بخواهد از همسر خود جدا شود، دولت ایران از حقوق وی حمایت نمی‌کند.^۸

مطابق آمارهای رسمی روزانه ۵ ازدواج میان اتباع خارجی با ایرانی ثبت قانونی می‌شود. می‌توان تصور کرد که آمار واقعی فاصله زیادی با این عدد داشته باشد. طبق آمار رسمی تا سال ۱۳۹۴ فقط ۳۰ هزار زن ایرانی با مردان افغانی ازدواج کرده‌اند. محمدی فر مدیرکل اتباع خارجه وزارت کشور اعلام کرد که سال ۱۳۹۴ حدود ۱۱۶۰ مورد ازدواج رسمی اتباع در ایران و در خارج از کشور هم ۷۷۳ مورد به ثبت رسیده است.

ازدواج جوانان افغانستانی با زنان ایرانی به نوعی سبب می‌شود که تابعیت زنان ایرانی سلب شود زیرا اخذ شناسنامه و سایر مدارک هویتی برای فرزندان ناشی از این ازدواج‌ها غیرممکن است. این کودکان بی‌هویت امکان تحصیل در مدارس ایران و حق کار کردن را ندارند.^۹ چند سال پیش اداره کل اتباع خارجی استانداری تهران اعلام کرد ۳۲ هزار کودک بدون هویت و شناسنامه حاصل ازدواج زنان و دختران ایرانی با اتباع بیگانه است. وضعیت این کودکان را نامعلوم اعلام کرد. این کودکان که اغلب از پدران افغانی هستند نه شناسنامه دارند و نه می‌توانند تابعیت ایرانی داشته باشند و از هیچ حقوق قانونی برخوردار نیستند. پدران بسیاری از این کودکان در افغانستان به سر می‌برند و هیچ تعهدی نسبت به آنها ندارند.^{۱۰} این متولدین که پدر افغانستانی دارند برای گرفتن شناسنامه ایرانی باید تا ۱۸ سالگی صبر کنند و پس از آن هم اگر تا ۱۹ سالگی در ایران سکونت داشته باشند، می‌توانند

درخواست تابعیت خود را به وزارت امور خارجه ارائه دهند و بعد از طی مراحل قانونی پس از گرفتن تابعیت بتوانند شناسنامه و سایر مدارک شناسایی را بگیرند. طبق قانون حمایت از خانواده برای مرد خارجی که خلاف مقررات با زن ایرانی ازدواج کند، مجازات هایی نیز در نظر گرفته شده است.^{۱۱}



نبود فرصت تحصیل و آموزش مناسب برای فرزندان مهاجران

در حال حاضر ۳۵۰ هزار دانش آموز و ۱۱ هزار دانشجوی افغان مشغول به تحصیلند.^{۱۲} البته این گروه مهاجرین قانونی هستند و مهاجرین غیرقانونی، حق تحصیل ندارند یا در مدارس خودگردان مشغول به تحصیلند یا در کلاس هایی که برخی ان جی اوهای کودکان (نهاد های مردمی) کار برگزار می کنند، خواندن و نوشتن را می آموزند.

پس از طرح فرمان در سال ۱۳۹۵ خبر ثبت نام رایگان ۴۸ هزار دانش آموز مهاجران افغانستانی منتشر شد. به رغم آن همچنان کودکان مهاجر افغانستانی باید بابت تحصیل هزینه بپردازند و به انحاء مختلف از جمله کمک به مدرسه، از آنها شهریه گرفته می شود. طبیعی است که هنگامی که خصوصی سازی در امر آموزش به این سرعت گسترده می شود و برای بسیاری از کودکان ایرانی هم آموزش رایگان معنایی ندارد، آموزش این کودکان چه وضعیتی پیدا خواهد کرد. در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ دریافت شهریه ۳۰۰ هزار تومانی در دوره ابتدایی و تا هفتصد هزار تومان برای دوره دبیرستان در شهر تهران گزارش شده است. البته مسوولین مدرسه در برخی موارد به اصطلاح رعایت حال آنان را کرده و پرداخت شهریه یا کمک را قسط بندی کرده اند!

کودکان افغان ساکن ایران بیش از ۸۰ درصد از دانش آموزان غیرایرانی مدارس این کشور را تشکیل می دهند. با دشوار شدن شرایط اقتصادی، بسیاری از کودکان این خانواده ها در سنین پایین مجبور به ترک تحصیل می شوند. عدم توانایی خانواده های مهاجر در پرداخت شهریه، دلیل اصلی ترک تحصیل کودکان است.

ترک تحصیل برای مهاجران قانونی نیز صادق است چرا که «هزینه تحصیل کودکان به همراه هزینه کارت اقامت یا تمدید پاسپورت برای خانواده هایی پرجمعیت و بدون منبع درآمد، مبلغ هنگفتی می شود.» بسیاری از خانواده های پرجمعیت افغان قادر به پرداخت این مبلغ نیستند.

مشاهده شده که در مواردی این کودکان برای تحصیل در مدارس رسمی باید تعهدنامه هایی را امضا کنند که در یکی از بندهای آن آمده است: «تحصیل دانش آموز در این مدرسه دلیل بر اجازه یافتن به ادامه تحصیل در سطح دانشگاهی نیست.»^{۱۳} چنین بندی انگیزه ادامه تحصیل را از نوجوانان افغانستانی می گیرد.

برخی از کودکان افغان که زادگاهشان ایران است، اجازه دارند در مدارس ایران تا مقطع دیپلم و در برخی رشته ها به مدت ۶ سال تحصیلات دانشگاهی داشته باشند. اما پس از آن اجازه کار و استفاده از تخصصشان را ندارند و به دنبال آن، اجازه اقامت در ایران را نیز از دست میدهند. انتخاب رشته های تحصیلی مانند فیزیک اتمی، فیزیک، گرایش هسته‌ای، مهندسی هسته‌ای، مهندسی تسلیحات، مهندسی فناوری اطلاعات، گرایش امنیت اطلاعات، امنیت شبکه، مخابرات امن، مهندسی هوافضا، گرایشهای مختلف مهندسی شیمی مانند صنایع پالایش، پتروشیمی، معدنی، گاز، مهندسی نگهداری هواپیما، هوانوردی، خلبانی، مراقبت پرواز، نمایش و نگهداری هواپیما، الکترونیک هواپیمایی، مهندسی فرماندهی و کنترل هوایی، تکنیک حوزه های نظامی، علوم و فنون هوانوردی، خلبانی هلیکوپتر، مهندسی تعمیر و نگهداری بالگرد، اطلاعات نظامی، نوبری و فرماندهی کشتی، مدیریت و کمیسر دریایی و... برای مهاجرین ممنوع است.

محرومیت های درمانی

یکی از محرومتهای دیگر که با آن دست به گریبانند، محرومیت از بیمه تامین اجتماعی است. به گزارش خبرنگار سایت افغانستان و به نقل از خبرگزاری فارس، بر اساس اعلام دفتر آمار و محاسبات اقتصادی و اجتماعی سازمان تامین اجتماعی، از افزایش ۴۵ درصدی اتباع خارجی تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی ایران تا پایان سال ۱۳۹۵ صحبت به میان آمده است و از تعداد ۱۷ هزار و ۹۸۸ نفر در سال ۹۴، با رشد معادل ۴۵ درصد، به ۲۶ هزار و ۱۹۸ نفر در اسفند ماه ۹۵ رسیده است. ۹۶ درصد از آمار بیمه شدگان اتباع خارجی در سال ۹۵ را مردان و حدود ۴ درصد آنان را زنان تشکیل داده اند. همچنین بیشترین نوع بیمه پردازی این بیمه شدگان، ناشی از بازرسی و کمترین آن از نوع کارگر ساختمانی بوده است. بر اساس این آمار، اداره کل شهرستان های استان تهران در سال ۹۵، در سطح استانها، بیشترین فراوانی بیمه شده با ملیت اتباع خارجی را دارا بوده است.^{۱۴} همان گونه که مشاهده می شود فاصله زیادی میان ۲۶ هزار نفر تا بیش از یک میلیون کارگری افغانستانی است که در ایران زندگی می کنند.

کارگران مهاجر بیمه درمانی ندارند. بیمه آسیا با معرفی نامه‌ی کمیساری عالی پناهندگان سازمان ملل آنها را یک ساله بیمه می کند. **بیمه‌ی آسیا** سی درصد هزینه‌های بیمارستان را تقبل می کند. یعنی اگر یک میلیون تومان هزینه بیمارستان آنها شود، سیصد تومان از این صورت حساب را می پردازد.^{۱۵} این مربوط به کسانی است که به طور قانونی مهاجر محسوب می شوند و کارت اقامت دارند. ولی کسانی که قاچاقی یا بدون پاسپورت به ایران آمده‌اند، شامل هیچ بیمه‌ای نیستند. آنهایی که فاقد مدارک شناسایی هستند از بیمه ساختمان هم نمی‌توانند برای درمان استفاده کنند.

معمولاً برای کارفرمایان و شرکت‌های ساختمانی به صرفه‌تر است که از این کارگران استفاده کنند. زیرا آنها نصف دستمزد کارگران ایرانی یا کارگران قانونی (با کارت اقامت) را می گیرند. کارفرما کارگری را ترجیح می‌دهد که هیچ مدرکی شناسایی ندارد و ضمن

اینکه اگر سانحه‌ای هم برایش پیش بیاید به راحتی می‌تواند انکار کند که فرد حادثه دیده برایش کار کرده است. آن وقت عملاً کارگر حادثه دیده می‌ماند و هزینه‌های درمانی که حتا با بیمه نیز خیلی زیاد است.

با این وضعیت دارو و تحریم‌ها و افزایش قیمت دلار، هزینه‌ها سر به فلک می‌زند. فرض کنید به خاطر سقوط از یک طبقه فقط پایت بشکند، اگر نیازی به پلاتین یا مفصل نداشته باشی، حداقل دو سه میلیون تومان باید هزینه کند. هیچ کدام از داروها با بیمه حساب نمی‌شود. هر چند بسیاری از پزشکان و پرستاران و کادر درمانی بسیار انسانی برخورد می‌کنند و کار درمان آنها را انجام می‌دهند. اما همه این طور نیستند. تبعیض‌هایی حین درمان وجود دارد. وقتی که هزینه‌های بیمارستان از حد معینی بالاتر می‌رود، به بیمار خبر می‌دهند که: تو این قدر بدهی داری. باید این پول را خرد خرد بدهی تا درمانت را تمام کنیم. مثلاً تو ۱۲ میلیون بدهی داری. باید ۴ میلیون را الان بدهی، ۴ میلیون را وسط کار و بقیه را آخر کار. اگر ندهی بیرون می‌کنیم یا این که به او گفته می‌شود: "این دارو را برایت تزریق نمی‌کنیم" و ... حتا اگر این گفته‌ها فقط جنبه‌ی تهدید هم داشته باشد، تحقیر است، تحقیری وحشتناک. در چنین شرایطی آن وقت بیمار به دوستان و آشنایانش متوسل می‌شود که با قرض و قوله یک مقداری از این بدهی را بدهند و... البته اگر کس و کاری داشته باشد.

تحقیق‌هایی هم هست که فقط به خاطر افغان بودن تحمل می‌کنند. مثلاً این که جلوی خودش آرزوی مرگش را می‌کنند: "تو افغانی هستی. کاش زودتر بمیری که این تخت خالی بشه بدهیم به یک ایرانی...". "این دارو را به تو نمی‌زنیم. تو را تحویل پلیس می‌دهیم تا تو را رد مرز کنند" به لحاظ خدمات درمانی هم اگر کاری انجام می‌شود، این مهاجران غیرقانونی آن را با تحقیر و تهدید دریافت می‌کنند. متأسفانه در برخی موارد نوعی نژادپرستی را مشاهده می‌کنی که نمی‌دانی چه بگویی؟! در مقابل انسان‌هایی را هم می‌بینی که برایشان فرقی نمی‌کند که این فرد چه ملیتی دارد. برایشان مهم است که انسانی تنها درد می‌کشد و نیاز به کمک دارد و وظیفه‌شان را انجام می‌دهند.

در عمل اگر واقعا چنین کسی پول نداشته باشد و بیمارستان دولتی به اصطلاح خودشان "نتوانند پولش کنند"، ترخیص می‌کنند اما با همان تحقیر و توهین‌ها و با درمان نیمه‌کاره. او را رها می‌کنند. حتا اگر وضعیت وخیمی هم داشته باشد، به زور او را از بیمارستان بیرون می‌کنند. او را دم در بیمارستان می‌گذارند و مدرکی هم ندارد که شکایت کند. یا این که او را از بیمارستانی به بیمارستان دیگر جابه‌جا می‌کنند. با آمبولانس او را می‌برند و می‌گذارند پشت در بیمارستان دوم تا بلکه کسی از آن بیمارستان دلش بسوزد و او را ببرد داخل تا بیمارستان او را پذیرش کند. اما در چنین مواردی کمیساری عالی پناهندگان و سفارت افغانستان هم برای کارگران حادثه دیده غیرقانونی کاری انجام نمی‌دهند.

حوادث کار و نداشتن حمایت های قانونی

بسیاری از کارگران افغانستانی در ایران در بخش ساختمان سازی و قسمت های سخت آن مانند تخریب مشغول به کارند. کارگران ساختمانی از کمترین حمایت های قانونی برخوردارند. به تبع مهاجر بودن و غیرقانونی بودن اینان از همین حداقل ها هم به کل محرومند. و چون در این بخش از بازار کار، بیشترین حوادث کار رخ می دهد، این کارگران بیشتر در معرض خطرات ناشی از آن

(نقص عضو، از کار افتادگی و فوت) هستند. سقوط از ارتفاع، سقوط اجسام، ریزش آوار و دیواره گودبرداری، سقوط بالابر و برق گرفتگی شایعترین مواردی است که کارگران ساختمانی با آن مواجه اند.

با توجه این که این که هر روزه کارگرانی در حین کار آسیب می بینند. آسیبهایی از شکستگی های ساده تا قطع نخاع و قطع عضو و مرگ. این کارگران نه آموزش های لازم را می بینند و نه وسایل ایمنی کار را در اختیار دارند. معمولاً سن این کارگران حادثه دیده خیلی پایین است. از ۱۵ - ۱۶ سال تا ۲۱ و ۲۲ سال.^{۱۶}

مساله مهمی که مشکلات درمان این کارگران را تشدید کرده خصوصی سازی بهداشت و درمان و فروش و واگذاری بخش های مختلف درمان در یک بیمارستان به مراکز خصوصی است.

به جز سود کلانی که از بابت استثمار بی حد این کارگران نصیب سرمایه داران و کارفرمایان می شود، چرخه اخراج و بازگشت مهاجرین افغانستان، با جابه جایی هزاران دلار همراه است:

- ✓ هزینه ورود غیرقانونی به ایران که به قاچاقچیان پرداخت می شود حدود یک تا دو میلیون تومان برای هر نفر
- ✓ هزینه تمدید ششماهه برگه اقامت (حدود ۴۵ هزار تومان)
- ✓ هزینه صدور ویزا برای هر نفر صد دلار
- ✓ هزینه حمل و نقل این تعداد مهاجر از مرز تا شهرستان های دیگر در ایران
- ✓ فروش مجوز های کاری. ارزش هر مجوز کاری مبلغی حدود ۲۸۰ هزار تومان است
- ✓ هزینه رد مرز شدن مهاجرانی که باید برگشت داده شوند (حدود سی چهار هزار تومان برای هر نفر)
- ✓ بسیاری از این مهاجران به دلیل این دشواری ها و سختیهای زندگی از ایران خارج و به ترکیه و از آنجا به اروپا می روند. هزینه این خروج غیرقانونی نیز برای مهاجران بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ دلار است.^{۱۷}

این چرخه سود کلانی را نصیب بخش های مختلف میکند. این سود به بهای سختی های بیشمار برای این مهاجران به دست می آید و شاید یکی از عواملی باشد که به خاطر آن تلاش جدی برای حل مشکل این مهاجران انجام نمی شود.



حکایت های مهاجران افغانستانی در ایران منتشر شده در گزارش ها

- ثریا، مادر کارگر افغان که چهار فرزند محصل دارد و در یکی از شهرستان‌های حومه‌ی شهریار زندگی می‌کند، می‌گوید: «برای این چهار فرزند ۵۰۰ هزار تومن باید می‌پرداختم، به دلیل اینکه نتوانستم پول کافی تهیه کنم، محمدامین پسر کوچکم را به کلاس اول نفرستادم. ترسیدم اعتراض کنم و برای بچه‌های ما بد شود.»
- عباس حسینی کارگر ساختمانی است. می‌گوید: «همگی ما پس از این که خبر هدیه‌ی رییس‌جمهوری را از تلویزیون شنیدیم خیلی خوشحال شدیم، هفته‌ی بعد با خیال راحت دست بچه‌ها را گرفتم و بردم برای ثبت‌نام اما گفتند باید پول بپردازیم، تازه از سال گذشته هم گران‌تر کرده بودند. پرسیدم مگر اعلام نکردند که از افغانستانی‌ها پول نگیرید، اما معاون مدرسه عصبانی شد.»
- ۲۰ زن و مرد جلوی ساختمان کمیساریای عالی پناهندگان در خیابان امداد شرقی ایستاده یا نشسته‌اند. مردی روی نیمکت نشسته. حدوداً ۶۰ ساله. آمده تا نامه بگیرد. مرد دیگری می‌گوید با این نامه مشکل حل می‌شود. «امسال ۳۰۰ هزار تومان برای هر بچه می‌گیرند. پارسال کمتر بود. اول گفتند امسال پول نمی‌گیریم. ۵۰ هزار تومان بده. گفتم ندارم خیلی بحث کردیم. مجبور شدم در دو قسط بدهیم. ۲۵ هزار تومان دادم و بقیه‌اش ماند. حالا مرا صدا کرده‌اند که باید ۳۰۰ هزار تومان را بدهی. ندارم.»
- سه زن خود را در چادر پیچیده و سرها را نزدیک هم کرده و آرام حرف می‌زنند. مدیر مدرسه احضارشان کرده به بهانه‌ی جلسه‌ی اولیا و مربیان و بعد گفته باید شهریه بپردازید وگرنه بچه‌ها نمی‌توانند امتحان بدهند. زن مسن‌تر که پادرد دارد روی نیمکت می‌نشیند. «در خانه‌ی مردم کار می‌کنم. تا قبل از این منجوق‌دوزی می‌کردم اما حالا چشمانم دیگر نمی‌بیند.»
- زنی از در ساختمان کمیساریا بیرون می‌آید. همه یک سوال دارند: «نامه‌ی قسط‌بندی را دادند؟» نگاه بی‌فروغ زن میان جمع می‌گردد. «من بیمارم.» نامه برای اعزام به یک کشور دیگر می‌خواهم. گفتند تماس می‌گیرند.» و چشمان بی‌مژه را می‌بندد و می‌رود. همه سکوت می‌کنند. یکی از زن‌ها به بغل دستی‌اش می‌گوید «خوب است شما هم بروید. پرونده‌ی پزشکی هم دارید.» زن روترش می‌کند که «من چند دختر دارم نمی‌توانم بروم به کشور کافرها. می‌خواهم دخترها اینجا درس بخوانند و مثل من نشوند.»
- جوان‌ترینشان، آرزو، یک پسر دارد که کلاس پنجم می‌رود. مدیر مدرسه جلوی بچه‌های دیگر از پسرش خواسته شهریه بیاورد و پسر یک روز کامل در خانه گریه کرده که دیگر به مدرسه نمی‌روم. «ما هم نمی‌توانیم یک دفعه ۳۰۰ هزار تومان بدهیم.»
- آخرین نفر صف هم زنی است که چهار پسر دارد. یکی که دوم راهنمایی است که در مغازه‌ی ساندویچی هم کار می‌کند. پسر دیگرش ابتدایی است و دو پسر دیگر هنوز به مدرسه نمی‌روند. انگشتان شوهرش حین کار قطع شده و مدتی است بی‌کار شده. ۴۵۰ هزار تومان کرایه می‌دهد. کارت اقامتش را نشان می‌دهد، اهل ولایت پروان است. حالا در حوالی میدان شوش زندگی می‌کند. خودش در خانه بسته‌بندی می‌کند یا کفش طبی می‌دوزد. می‌گوید: «همه‌اش این شهریه نیست. بابت تمدید کارت اقامت و عوارض شهرداری هم پول می‌دهیم. خدا کند قسط‌بندی کنند.»^{۱۸}

- غلام ح. یکی از افغان‌های ساکن نروژ است که در ایران به دنیا آمده است. خانواده‌ی او برای سالیان متمادی در ایران زندگی می‌کردند و هیچ یک از آن‌ها دارای مجوز قانونی برای زندگی و یا کار در ایران نبوده‌اند. غلام می‌گوید که پدرش از روزی که او به یاد دارد؛ کارگر ساختمان بوده است. دو برادر بزرگ‌تر او هم در ایران کار می‌کردند که هم اکنون در کشور فنلاند به صورت قانونی کار و زندگی می‌کنند. به گفته‌ی او پدرش در سن ۶۰ سالگی در ساختمانی که کار می‌کرد؛ مصدوم شد و صاحب کار هیچ‌گونه کمکی به او نکرد و به سرعت کارگر دیگری از افغانستان که جوان‌تر بود را جایگزین او کرد. بیمه هیچ پشتیبانی از خانواده‌ی غلام نمی‌کرد و با بالا رفتن اجاره‌ی خانه‌ی مخروبه‌ای که آن‌ها در آن سکونت داشتند؛ وضعیت امرار معاش برای خانواده‌ی او سخت شده بود. برادر بزرگ‌تر غلام در یک مرغداری در حومه‌ی تهران کار می‌کرد و درآمدی نابرابر با کارگران ایرانی داشت اما شکایتی هم نمی‌توانست بکند چرا که با اولین طرح دعوا از سوی او؛ خانواده‌ی او با مشکلات فراوانی از جمله بازگشت اجباری به کشور افغانستان روبه‌رو می‌شدند. غلام می‌گوید برادرش شب‌ها پس از ۱۲ ساعت کار، خسته به خانه می‌آمد و حتی قدرت حرف زدن هم نداشت. بعد از مصدوم شدن پدر؛ برادر بزرگ‌تر غلام مجبور به اضافه‌کاری هم شد و حتی بیش‌تر از ۱۲ ساعت در روز کار می‌کرد. برادر دیگر او اما در خیابان‌ها با یک گاری به جمع‌آوری بطری‌های پلاستیکی قابل بازیافت مشغول بود و در روز چندین تن زباله را زیر و رو می‌کرد تا بطری‌های خالی را جمع‌آوری کند و به شرکت بازیافت تحویل دهد و در ازای هر کیلو؛ مبلغ مشخصی را دریافت کند.^{۱۹}

- "اسماعیل" است، ۱۴ سال دارد و ۷ ماهی است که وارد ایران شده. قاچاقچی‌ها از او ۷۰۰ هزار تومان گرفته‌اند و از هرات افغانستان به سیستان و بلوچستان ایران آورده‌اند. اسماعیل در تکاپوی آمدن به ایران دو بار دستگیر هم شده است؛ به گفته‌ی خودش ماموران ایرانی تنها کاری که کرده‌اند وی را به ماموران پلیس مرزی افغانستان تحویل داده‌اند و پلیس مرزی هم وی را آزاد کرده است. او به امید داشتن یک شغل پر درآمد تر از کشور خود به ایران آمده است و حالا با به دست گرفتن یک "چهار چرخ" و جمع‌آوری زباله‌های قابل بازیافت روزانه قریب به ۴۰ هزار تومان درآمد دارد. اسماعیل روزانه بیش از ۲۰۰ کیلو و گاه نزدیک به ۳۰۰ کیلو زباله خشک و قابل بازیافت جمع می‌کند، شبانگاه زباله‌ها را به یک مرکز در خیابان مولوی تهران تحویل می‌دهد و در ازای هر کیلو ۲۰۰ تومان پول می‌گیرد و این چنین روزانه حداقل ۴۰ هزار تومان کاسب است. او بخشی از این پول را هزینه اقامت خود در ایران می‌کند و بخش عمده آن را به خانواده نیازمند خود در هرات می‌فرستد.

- غدیر، کارگر باربر در بازار تهران، ۲۲ سال است در تهران زندگی می‌کند و از بدخشان افغانستان به ایران آمده است. همسر غدیر بیمار است و به دلیل نداشتن بیمه، قادر به پرداخت هزینه‌های درمان نیست. او با توصیف شرایط سخت کار در بازار تهران می‌گوید: «برای جابه‌جا کردن بارهای مختلف با چرخ دستی بین دو هزار تا پنج هزار تومان می‌دهند. در سال‌های قبل ایرانی‌های زیادی به همین میدان اعدام می‌آمدند و مثل من یک چرخ برای خودشان دست و پا می‌کردند و بار جابه‌جا می‌کردند، اما الان چند سالی است که از آن‌ها خبری نیست چون پول پرداختی از طرف بازاری‌ها برای

جابه‌جایی بار با چرخ کم است و کفاف حداقل زندگی را نمی‌دهد. فقط افغان‌ها هستند که چون امید بازگشت به افغانستان ندارند، این کار را انجام می‌دهند. »

- بصیر کارگر ۲۶ ساله که در انتهای حیاط ساختمانی در حال ساخت زندگی می‌کند در این باره می‌گوید: «بیشتر کارهای سخت ساختمانی را افغانی‌ها انجام می‌دهند و اگر همان کارها را ایرانی‌ها انجام بدهند حقوق بیشتری می‌گیرند و به همین دلیل صاحب کارها ترجیح می‌دهند کارگر افغانی داشته باشند که هم برایشان سخت کارکنند و هم پول کمتری به آن‌ها بدهند». فضای زندگی بصیر اتاق سه، چهار متر است که در وسط آن موکتی نخ نما پهن است و یک گاز پیک نیکی کوچک روی آن جای گرفته با کتری سوخته که بخار از لوله آن به هوا می‌رود. او می‌گوید کل وسایل زندگی اش کمتر از یک بچه است و هرچه پس انداز می‌کند برای مادر و دو خواهرش به افغانستان می‌فرستد. تنها وسیله سرگرمی او در این اتاق ننگهبانی تلویزیون سیاه و سفید قدیمی است که تصویرش پراز برفک است و او هر چند دقیقه یکبار برای گرفتن کانالی جدید مجبور است جهت آنتنش را عوض کند. او می‌گوید: «قبل از اینکه در این ساختمان مشغول به کار بشوم دو سال برای یک پیمانکار شهرداری کار می‌کردم و چاه‌های فاضلاب می‌کندم. بیشتر کارگرهای کندن فاضلاب افغانی‌ها بودند و اگر هم کارگر ایرانی پیدا می‌شد برای شهرهای دور بود که برای خرج خانواده اش در شهرستان به تهران آمده بود و چون کاری پیدا نکرده بود، چاه می‌کند.

- باقرآباد که در نزدیکی قبرستان بهشت زهرا جای گرفته یکی از محله‌های مهم سکونت مهاجران افغانی در تهران است. نسیم و برادرش اهل ولایت هرات در کشور افغانستان هستند. آن‌ها در زمان جنگ طالبان پدر و مادر خود را در افغانستان از دست داده‌اند و بعد برای زندگی به ایران مهاجرت کردند. نسیم ۲۸ ساله و کارگر یک کارخانه سنگ بری در جاده قدیم شهرری به بهشت زهرا است. او می‌گوید: «من و برادرم سال‌های بسیاری است که در ایران زندگی می‌کنیم و کس و کاری هم در افغانستان نداریم و کاری هم در آن‌جا پیدا نمی‌شود که به افغانستان برگردیم برای همین ۱۰ بار دیگر هم اگر در بندمان کنند و به افغانستان بر گردانند باز هم به ایران می‌آییم». او می‌گوید: «شرایط زندگی هر روز برای افغانی‌ها در ایران سخت‌تر می‌شود به خصوص بعد از یارانه‌ها همه چیز چندین برابر شده است و ما هم که یارانه و کمک خرجی نمی‌گیریم از دولت، سخت‌تر زندگی می‌کنیم ولی راه برگشتی هم نداریم باز اینجا کاری هست که یک لقمه نان در بیاوریم، در افغانستان که همین کار هم وجود ندارد.»

- عزیز در کارخانه تولید مواد پلاستیکی کار می‌کند و کارت اقامت و اجازه کار در ایران دارد می‌گوید: «کارگر افغانی مجبور است در ایران زندگی کند چون در کشورش سرپناهی ندارد. خیلی از جاها و ساختمان‌ها را کارگران افغانی در ایران آباد کردند اما هیچ وقت حق و حقوقشان را درست نگرفتند. امسال خودم ۱۴۰ هزار تومان برای گرفتن اجازه کار در ایران پول داده‌ام اما حتی بیمه هم نیستیم. از کارگر افغانی حمایتی نمی‌شود تا حالا کلی کارگر افغانی زمان کار دچار بلا شده‌اند و مرده‌اند اما کسی حمایت نمی‌کند و تازه کلی هم تحقیر می‌شویم.»

منابع:

۲- برای اولین بار در اسفند سال ۱۳۷۹ ایران با کمک کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل اجرای «طرح شناسایی افغان های ساکن ایران» را آغاز کرد. این طرح در اردیبهشت سال ۱۳۸۰ به پایان رسید. براساس نتایج حاصل از اجرای این طرح حدود دو میلیون و ۳۵۰ هزار افغانی در ایران زندگی می کردند که از میان آنان حدود ۸۹۰ هزار نفر در بازار کار ایران حضور داشتند ولی برخی از دست اندرکاران بازار کار ایران معتقدند آمار «طرح شناسایی» دقیق نیست و با احتساب کودکان و زنان افغانی شاغل در ایران تعداد کارگران افغانی به بیش از یک میلیون نفر بالغ می شد.

-۳

<http://www.dw.com/fa-ir/%D8%AF%D9%88%D9%84%D8%AA-%D8%A7%D9%81%D8%BA%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86%DB%B7%DB%B6%DB%B0-%D9%87%D8%B2%D8%A7%D8%B1-%D9%85%D9%87%D8%A7%D8%AC%D8%B1-%D8%A8%D8%A7-%D8%AE%D8%B7%D8%B1-%D8%A7%D8%AE%D8%B1%D8%A7%D8%AC-%D8%A7%D8%B2-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D8%B1%D9%88%D8%A8%D8%B1%D9%88-%D9%87%D8%B3%D8%AA%D9%86%D8%AF/a-18108806>

۴- خبرگزاری صدا و سیما، کد خبر: ۸۲۴۲۶/ اردیبهشت ۱۳۹۴

<http://khabarname.net/blog/2016/09/10/afghan-refugees-caged-in-iran>-۵

۶- خبرگزاری تسنیم: طبق آمار رسمی مرکز آمار ایران در سال ۹۳، نرخ بیکاری در استان های مختلف برآورده شده است و حضور مهاجرین در ۷ استان از این لیست ممنوع است. (استان های ممنوع مهاجرین با رنگ زرد مشخص شده اند)

نرخ بیکاری	نام استان
15.3	کرمانشاه
14.9	لرستان
14.1	چهارمحال بختیاری
13.7	کهگیلویه و بویراحمد
13.5	خراسان شمالی
12.3	گیلان
12.3	گلستان
12.1	اردبیل
11.1	کردستان
11.1	سیستان بلوچستان

قائم مقام وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی ایران در امور بین الملل روز سه شنبه ۲۷ مرداد اعلام کرد که به کارگیری کارگران افغان در ۱۶ استان ایران ممنوع است. به گزارش خبرگزاری تسنیم، وی با اشاره به افزایش جریمه به کارگیری نیروی کار غیر مجاز خارجی گفت: در سال ۹۴، اگر کارفرمایی از نیروی کار خارجی به گفته او، غیر مجاز استفاده کند، روزانه ۱۱۸ هزار و ۷۰۰ تومان جریمه می شود.

<https://www.radiofarda.com/a/f4iranlaborministrybanafghanwork/27195319.html>

۷- به نقل از سخنان وزیر کشور در صحن علنی مجلس ۱۲ ماه می ۲۰۱۵

<http://www.iribnews.ir/fa/print/82426>

<https://www.radiofarda.com/a/f4iranlaborministrybanafghanwork/27195319.html>

۸- <http://donya-e-egtesad.com/SiteKhan/1002450>

۹- <http://npps.ir/ArticlePreview.aspx?id=11259>

۱۰- شرایط قانونی ازدواج مرد خارجی با زن ایرانی:

۱) تقدیم درخواست نامه مرد و زن مبنی بر تقاضای صدور پروانه اجازه زناشویی به وزارت کشور.
۲) گواهینامه از مرجع رسمی کشور متبوع مرد، مبنی بر بلامانع بودن ازدواج با زن ایرانی و به رسمیت شناختن ازدواج در کشور متبوع مرد. در صورتی که تهیه گواهینامه مذکور برای متقاضی امکان پذیر نباشد، وزارت کشور می تواند بدون دریافت مدرک فوق، در صورت رضایت زن، پروانه زناشویی را صادر کند.
۳) در صورتی که مرد غیرمسلمان و زن مسلمان باشد، گواهی یا استشهاد تشریف مرد به دین مبین اسلام. همچنین، وزارت کشور طبق ماده ۳ آیین نامه مزبور، موظف شده در صورت تقاضای زن، علاوه بر مدارک موضوع ماده ۲، نسبت به تحصیل مدارک ذیل از مرد تبعه خارجی اقدام کند.

- این مدارک عبارتند از:

۱) گواهینامه مبنی بر اینکه مرد مجرد است یا متأهل، از مرجع رسمی محلی یا مأموران سیاسی و کنسولی کشور متبوع مرد.
۲) گواهی نداشتن پیشینه بد و محکومیت کیفری مرد از مراجع رسمی محلی یا مأموران سیاسی و کنسولی کشور متبوع مرد و همچنین، گواهی عدم سوء پیشینه کیفری از مراجع کشور، در صورتی که مرد بیگانه در ایران اقامت داشته باشد.
۳) گواهی از مراجع محلی یا مأموران سیاسی و کنسولی کشور متبوع مرد، مبنی بر وجود استطاعت و مکنت زوج و همچنین، تعهدنامه ثبیتی از طرف مرد بیگانه، مبنی بر اینکه تعهد شود هزینه و نفقه زن و اولاد و هرگونه حق دیگری که زن نسبت به او پیدا می کند، در صورت بدرفتاری یا ترک و طلاق پرداخت کند. مستخدمان دولت که منصب های مهمی دارند در ازدواج با اتباع بیگانه با محدودیت هایی مواجه هستند. دلیل وجود محدودیت ها هم منطقی است، زیرا با توجه به مقامی که این افراد دارند، این احتمال وجود دارد که از لحاظ امنیتی و اطلاعاتی سوء استفاده هایی صورت بگیرد.

۱۱- <http://donya-e-egtesad.com/SiteKhan/1002450>

روزنامه دنیای اقتصاد تاریخ خبر: ۱۱/۰۲/۱۳۹۵

<http://www.afghanembassy.ir/%D8%B3%D9%88%D8%A7%D9%84%D8%A7%D8%AA-%D9%85%D8%AA%D8%AF%D8%A7%D9%88%D9%84/item/682-%DA%AF%D9%81%D8%AA%DA%AF%D9%88%DB%8C-%D8%AA%D9%81%D8%B5%DB%8C%D9%84%DB%8C-%D8%A7%DB%8C%D8%B3%D9%86%D8%A7-%D8%A8%D8%A7-%D8%B3%D9%81%DB%8C%D8%B1-%DA%A9%D8%A8%DB%8C%D8%B1-%D8%A7%D9%81%D8%BA%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86.html>

۱۲- <http://www.iribnews.ir/fa/print/82426>

کودک غیرقانونی حق تحصیل ندارد، کانون مدافعان حقوق کارگر

نماینده یونسف «کریستین سالازار، درگفت و گو با روزنامه ی سرمایه از کودکان مهاجر غیرقانونی و آموزش کودکان خیرداده است او اضافه می کند: گزارش برنامه توسعه سازمان ملل و دولت افغانستان در سال ۲۰۰۵ نشان می دهد، بیشتر کودکان مدرسه رو، از هفت الی ۱۲ سال است. و باین حال میزان حضور کودکان در مدرسه تنها ۵۴ درصد از کودکان می

باشد و این وضعیت در برخی مناطق جنوبی کشور بیش از ۶۰ درصد هنوز دومیلیون کودک افغانستانی در این کشور از سواد محرومند، میزان تکمیل دوران ابتدایی در پسران ۴۵ درصد و در دختران ۳۰ درصد است.

بر اساس آمار وزارت کشور بیش از سه ملیون پناهنده مهاجر حضور دارند. آمار نهضت سوادآموزی کشور از آموزش نیم ملیون پناهنده افغانستانی خبر می دهد ولی هنوز درصد قابل توجهی از مهاجران افغانستانی ساکن، از این امکان بی بهره اند.

<http://sedayemohager.blogfa.com/cat-4.aspx> دویچه وله فارسی / ایران

بیش از ۲۰۰ تن از مادران این دانش آموزان که روز دوشنبه ۱۷ آذر، ۸ دسامبر) در مقابل دفتر کمیساریای عالی پناهندگان در تهران تجمع کرده بودند، گفتند: «قشر مهاجران افغانستانی مقیم ایران، عمدتاً کارگر ساختمانی هستند و منبع درآمدشان ثابت نیست. تورم دوساله اخیر و رکود اقتصادی حاکم بر ایران این قشر را به شدت آسیب پذیر کرده و توانایی پرداخت چینی شهریه‌هایی را ندارند». مبلغ شهریه بابت تحصیل، جدای از هزینه‌هایی است که سالیانه بابت تمدید کارت اقامت و عوارض شهرداری و تمدید کارت کار از این خانواده‌ها دریافت می‌شود.

<http://sedayemohager.blogfa.com/cat-8.aspx>

۱۳- (۲۰۱۴) شورا آذرنوش، صدای آلمان

<http://www.dw.com/fa-ir/%D8%AD%D8%B0%D9%81-%D8%B4%D9%87%D8%B1%DB%8C%D9%87-%D8%AF%D8%A7%D9%86%D8%B4%D8%A2%D9%85%D9%88%D8%B2%D8%A7%D9%86-%D8%A7%D9%81%D8%BA%D8%A7%D9%86-%D8%AF%D8%B1-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85%DB%8C-%D8%AF%D8%B1%D8%B3%D8%AA-%D8%A7%D9%85%D8%A7-%D9%86%D8%A7%DA%A9%D8%A7%D9%81%DB%8C/a-1396043100138-kdxbir:31/4/1396-14>

۱۵- انسان غیرقانونی حق درمان ندارد، کانون مدافعان حقوق کارگر

۱۶- همان منبع

✓ ۱۷- در گزارشی که در خبرگزاری آنتولی منتشر شده از قول یکی از کسانی که مهاجران غیرقانونی را از مرز خارج می کند، چنین آمده است:

یکی از افرادی که مهاجران غیرقانونی را از مرز خارج می کرد در گفتگو با خبرنگار آنتولی اظهار داشت:

"قبل از اینکه مرز اروپا باز شود قیمت ها خیلی بالا بود. تا ۴۰ میلیون تومان (حدود ۱۰،۵ هزار دلار) هم می گرفتیم. اما بعد که سختگیری یونان کم شد یک نفر با ۵ تا ۷ میلیون تومان (۱،۳ الی ۱،۸ هزار دلار) به اروپا می رسید... بستگی داشت قاچاقچر چقدر درخواست کند و ما هزینه را به مسافران می گفتیم. مثلاً اگر کردها یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان (۴۷۰ دلار) طلب می کرد، ما دو میلیون تومان می گرفتیم... عموماً بین ۲ تا ۳ میلیون تومان (حدود ۵۰۰ الی ۸۰۰ دلار) هزینه رد کردن از مرز ایران به سمت ترکیه بود. تفاوت قیمت هم به دلیل دلال ها و واسطه ها بسیار بود. نسبت به مسیر، قیمت ها متفاوت است.

<http://aa.com.tr/fa/%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86/%D9%85%D9%87%D8%A7%D8%AC%D8%B1%D8%AA-%D8%A7%D9%81%D8%BA%D8%A7%D9%86-%D9%87%D8%A7-%D8%A7%D8%B2-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D8%A8%D9%87-%D8%AA%D8%B1%DA%A9%DB%8C%D9%87-%D8%A8%D8%A7-%D8%AA%D9%86%D9%87%D8%A7-530-%D8%AF%D9%84%D8%A7%D8%B1/794047>

۱۷ <http://jamejamonline.ir/online/2111187913243800550>

۱۸ <http://www.khabaronline.ir/detail/392382/society/education>

۱۹ <http://www.khabaronline.ir/detail/365936/Economy/market>

<https://iranhr.net/fa/articles/2160/>

۲۰ <http://www.momtaznews.com/%D8%AF%D8%B1%D8%A2%D9%85%D8%AF-%D9%85%D8%A7%D9%87%D8%A7%D9%86%D9%87-%DB%8C%DA%A9-%DA%A9%D8%A7%D8%B1%DA%AF%D8%B1-14-%D8%B3%D8%A7%D9%84%D9%87-%D8%A7%D9%81%D8%BA%D8%A7%D9%86-%D8%AF%D8%B1-%D8%AA%D9%87/> _